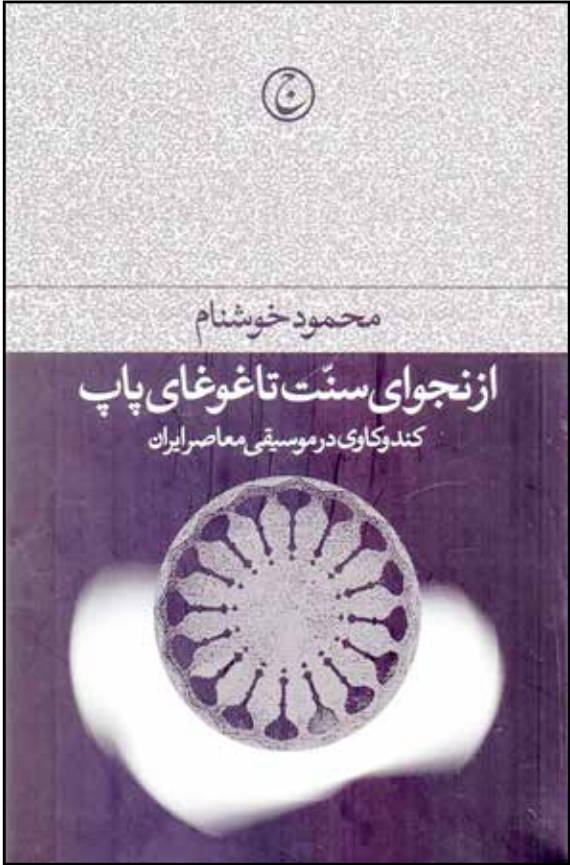


مروری بر کتاب «از نجوای سنت تا غوغای پاپ»، نوشته محمود خوشنام

# ایست زمان در چهل سال پیش



بیتاباری

جمله توصیفی «کتاب از نجوای سنت تا غوغای پاپ،

### دنگ و دونگ

از «باز این چه شورش است» تا «منتظرت بودم»

## چه اتفاقی افتاده؟

لیلاموسی زاده

چند سال از شنیدن تصنیف ترانه «شب به گلستان تنها منتظرت بودم» می گذرد؟ چه کسانی این تصنیف را در خاطر دارند یا بهتر بپرسم کسی هست این ترانه را علی رغم محدودیت هایی که در این چند دهه برای شنیده شدن داشته نشنیده باشد؟ و آیا این ترانه معروف را می توان از خاطره جمعی مردم پاک کرد؟ راستی این ترانه یادآور چه کسی است؟ کدام صدا؟ کدام خواننده؟ و کدام دوران و چه سلیقه ای؟

اما آیا با همه اینها ترانه ای خاطره انگیز و مردمی نیست؟

آن هم در حالی که چند دهه خواننده فقید این ترانه مشهور مذموم سیاست گذاران و متولیان فرهنگی بوده است و امکان پخش ترانه هایش نیز وجود نداشته. آیا باز هم نخواهد بود؟

آن گونه که پیش تر مدیر دفتر موسیقی اعلام داشت قرار بود دفتر موسیقی نسبت به پرداخت آن شرايطی ایجاد کنی تا برخی ژانرها از این قانون مستثنا شوند. هر چند در نقش عمل این تصمیم بسیار مقسده ساز بود و نحوه اجرای آن می توانست ایرادات زیادی در عمل

دعوت به تورق کتاب می مانست که نتوان از آن به راحتی عبور کرد. حتی اگر سوابق نویسنده و دانش و حیطه کارهای گذشته او را در یاد نداشته باشیم همین نکته کافی بود که کتاب را بکاویم که در آن چه طرحی از جامعه شناسی، خصوصاً که این روزها در حوزه موسیقی نیز بسیار شنیده و از آن به عنوان کمتر بدان پرداخته شده ها یاد می شود، در انداخته است. ضمن آنکه چهل سال فرصت کمی نیست برای پختگی و عمیق شدن ایده ها. آن هم کسی که تاکنون اثری منتشر شده در زمینه جامعه شناسی نداشته و به یکباره چنین تعبیری را در معرفی کتابش مطرح کرده اند.

اما هسی تلاش بیپهوده و امید هرز رفته، از آن رو که هر چه سراسر کتاب نگاه عصبانی، پر خاشگر، مایوس، بر چسب ساز و گاهی خارج از حیطه ادب نویسنده را بیشتر نمایان می سازد که همچنان زمان برای او در چهل سال پیش متوقف شده مانده و گرفتار روزگار تقابل سنت و مدرنیته است کمتر از طرح یک نظریه جامعه شناسانه و اثبات آن در کتاب نشانی هست.

«از نجوای...» در اساس گردآوری سهل انگارانه و دور از انسجامی است از مجموعه نوشته های نویسنده نام آشنا و سردبیر مجله رودکی سال های پیش از انقلاب را پیش چشم بگستراند بیشتر به

زمانه و بی بی سی و ... مطالبی که او گه گداری روی این سایت ها منتشر کرده بود اکنون توسط ناشر در یک مجلد در دسترس است فارغ از اینکه در رفع ایرادات مطالب کوشیده باشد یا ویراستار فنی صاحب دانش و اطلاعات تاریخی موسیقی را به منظور رفع اشتباهات به خدمت گرفته باشد.

از این رو ضرورت انتشار چنین کتابی در هاله ای از ابهام قرار دارد چرا که علاوه بر ناتوانی در ارائه محصولی بی اشکال، چهره دیگری از محمود خوشنام را نشان داده که حتی از ارائه تاریخ درست تولد یا فوت موزیسین ها آن هم در عصر ارتباطات و اینترنت عاجز است و با اتکابه حافظه و شنیده ها دست به قلم برده و از این رو نویسنده را نیز بی اعتبار ساخته است.

همانند هر کسی که به واسطه انقلاب از حقوق اولیه خود محروم شده و به مهاجرت اجباری تن داده، خوشنام نیز حق دارد همچنان عصبانی باشد اما آیا این دلیلی است تا بتوان چشم بر روی حقایق بست و منکر همه چیز شد و یکسویه همه را کوبید؟ و ادعاهایی از این دست کرد که «بعد از انقلاب محمد اسماعیلی به گوشه ای افتاده و کسی او را نمی شناسد» و امثالهم که در کتاب زیاد به چشم می خورد. هر چند شاید ناشر بتواند با اینگونه نگاه خوشنام پُر انتشار کتابی از اپوزیسیون آنور

آبی را بدهد؛ اما هر فرد آگاه به مسائل روز می داند که در چنته آنها چیست. ضمن آنکه نگاه خوشنام یکسره در ستایش موسیقی پاپ و موسیقی معروف به کافه کاباره ایست و آنها را در مقابل موسیقی ایرانی قرار داده. او حتی پا را فراتر گذاشته و از ردیف دانان و کسانی که برای حفظ میراث موسیقی ملی در تلاشند با عنوان «زندانیان ردیف و موسیقی پامنتلی زندانیان ردیف (صفحه ۲۲۷)» یسادمی کند.» که این دو ترکیب از اصطلاحات، نگاه خوشنام را در حد دشمنی با موسیقی ایرانی و در قامت مدافع موسیقی پاپ فرومی کاهد. کتابی که ادعای جامعه شناسی درباره آن شده اما در حد تکنوسی درباره موزیسین ها و تاریخ معاصر شخصیت ها نیز دقیق نیست و البته از نگاه نویسنده فصل بندی و تقسیم بدیعی دارد آنجا که الهه را در حد قمر می داند و او را با حمیرا و هایده و بنان و شجریان و فرهنگ شریف و عماد رام در فصل «موسیقی نوآورانه سنتی» می گنجاند.

سال ها زندگی در خارج از جهان سوم و به زعم خوشنام در جهان «پیشرو»، هنوز او را متعلق به فضایی دیگر نشان می دهد. آنجا که وارد بررسی حضور زنان در جایگاه آهنگسازی شده که چرا علی رغم حضورشان در دنیای نوازندگی،

استفاده می کنند؟ آن هم ترانه هایی که در بهترین حالت می توانند عشقی از دو جنس مخالف را تداعی کنند و کلماتی شکسته در خود دارند.

این سخنان خودمانی و خارج از حیطه احترام به جایگاه و منزلت بزرگان تاریخ دلاوری و آزادی که بر زبان مداحان با این ترانه ها جاری است با کدام اجازه به شکستن حرمت و منزلت بزرگان تاریخ قیام آزادگان جهان مجاز شده است؟

حتماً چیزی شده و اتفاقی افتاده است. و گر نه کیست که باور کند مداحان نوظهوری که حتی در خواندن و بیان ترانه ها ضعف دارند و جای احترام را با بی احترامی اشتباه گرفته اند از پس درک منزلت آن عزیزان همیشه زنده بر آیند.

حتماً در این چهل ساله چیزهای زیادی عوض شده است که بر آیند آنها را در این مساله نیز هویداست. چون تنها گذر زمان به تنهایی نمی تواند ۱۸۰ درجه تغییر در نگرش و در ک ها ایجاد کند. عوامل دیگری نیز لازم است.



قوی در موسیقی می بود می توانست آن را سریعتر به سرانجام برساند.

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه رسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

toseeirani.ir

### نوا

### معاونت هنری شفاف سازی کند

چندی پیش خبری از سوی روابط عمومی معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شد مبنی بر طرح انحلال انجمن ها و ادغام انجمن ها و موسسات این معاونت که در آن انجمن هنرهای نمایشی با ۵۰۰ شعبه و دفتر در سراسر کشور، انجمن موسیقی، موسسه توسعه هنرهای معاصر و موسسه توسعه هنرهای تجسمی که همگی در دوموسسه ادغام می شوند.

سیده فاطمه ذوالقدر، سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس، در گفتگو با ایلنا درباره این طرح و ناراضیاتی و اعتراض هنرمندان نسبت به آن تصریح کرد: «با توجه به مسائلی که پیرامون طرح انحلال و ادغام انجمن ها و موسسات معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مطرح شده، بسیاری از هنرمندان نسبت به شتاب زده بودن این تصمیم و طرف مشورت قرار نگرفتن انجمن های موردنظر معترض بوده و از آن به عنوان طرحی یاد می کنند که فعالیت های هنری را بر خلاف قوانین و وعده های دولت، نه به سمت خصوصی سازی که هر چه بیشتر دولتی شدن اداره امور می برد. از سوی دیگر با وجود گذشت چند هفته از طرح این مساله، معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی جزئیاتی از این طرح ادغام نه به هنرمندان و نه رسانه ها اعلام نکرده اند که همین موضوع نگرانی ها و ابهام های جامعه هنری را افزایش داده است.»

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس یادآور شد: «با توجه به گستردگی فعالیت این انجمن ها در سراسر کشور، وجود صدها شعب و دفاتر استانی و نیز اثری که این ادغام می تواند بر شکل اداره امور هنری در کشور بگذارد، خواسته هنرمندان این است که معاون هنری وزیر فرهنگ در اسرع وقت طرح مدون ادغام موسسات و انجمن های معاونت هنری را به صوت عمومی منتشر کند تا هم ابهام ها بر طرف شود و هم هنرمندان بدانند این طرح از ابتدا قرار است مسائل را شفاف کند.»

### نو نوا

### هفت آسمان

قطعاتی برای پیانو



هومن دهلوی

ناشر: ماهور ۱۳۹۸

درباره این اثر، به قلم هومن دهلوی می خوانیم: «آثار موجود در این مجموعه را به طور پراکنده بین سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۹ - از زمانی که اولین درس های آهنگسازی را ابتدا در نزد پدرم، حسین دهلوی، و کمی بعد نزد احمد پژمان، استادان گرنا میام می آموختم- نگاشته ام. بخش های اول و دوم این مجموعه که به مرور از قطعات ساده تر به پیچیده تر می رسند، شاید در ابتدا بیشتر تحت تاثیر مجموعه آثار آلبوم موسیقی برای جوانان شومان شکل گرفتند که هر کدام از این قطعات حداقل یک موضوع تکنیکی را در دل خود گنجانده و در قالب فرمی مشخص درآمده اند.

اما پرداختن به ملودی های ساده و روان و معرفی فرم های متداول در موسیقی چون: A-B-A و A-B-A، پرلودهای تک بخشی و چند بخشی، واریاسیون بر روی تم، والس، سونات کلاسیک و فرم های آزادتر، از یک سو، و از دیگر سو پرداختن به موارد هارمونیک که اغلب شامل آکوردها و فواصل نامطبوع (دیسونانس) هستند و در مواردی با فضای مینیمالیستی و گاه امبرسیونیستی در هم آمیخته می شوند، بخشی از هدف اصلی جمع آوری این مجموعه برای چاپ بوده است.»